

# یادداشت‌های روانشاد حاجی سیدعلی محمد دولت آبادی دنباله اولتیماتوم و آثار آن

- ۸ -



اندیش راهم در پرده ابهام گذاشته است  
برکنار و مصون ماند .  
بنابراین اشغال وقت خوانندگان  
عزیز بقرائت یادداشت روانشاد حاجی سیدعلی  
محمد دولت آبادی که همه حوادث را با  
ذکر تاریخ روز و وقوع و آثار نیک و بد آن  
بر نگاشته است و شخصیت بارز و عاری از  
غرض اوهم ضامن آن است . مطالبی را  
روشن میسازد که مفاد آن تحقق مسائل  
سیاسی و درک فلسفه تاریخ می باشد . تا  
تحقیقات اساسی مستدل جانشین تضادهای  
سرسری گردد و میتوان وقوع امری را  
براستی و درستی دانست و با امانت بر صفحه  
کاغذ آورد .

توضیح کوتاه و لازم - چنانچه در آغاز  
انتشار مجله خاطرات وحید مدیر ارجمند  
آن آقای دکتر وحیدنیا و این جانب حین  
یادداشت های خود متذکر شدیم .  
هدف اصلی و غائی مسا این بوده و  
هست که اسناد و مدارک قابل اعتمادی در  
نهضت مشروطیت ایران و عوامل آن مخصوصا  
روش دولت‌های همسایه بویژه دولت روسیه  
تزاری و امپراطوری توسعه طلب سابق  
انگلیس جمع آوری و در دسترس تاریخ نویسان  
آینده مملکت یعنی نسل برومند جوان قرار  
دهیم تا تدوین تاریخ ایران عزیز در آن  
صورت مبتذل پیش که مجاز گوئی و اغراق  
بسیاری از حقایق و کردار فداکاران نیک

مثلاً، نگارنده روی آنچه شنیده و احیاناً خوانده بودم معتقد بودم آمدن مورگان شوستر مستشار مالی امریکائی را بایران این طور تصور میکردم که مردی بوده است از هر عیب و نقص برکنار و صرفاً قصد خدمت در ایران داشته است.

چنانچه در مرگه او از پشت تریبون مجلس شورای ملی اظهار تأسف کردم (هنوز هم آن ذکر خیر را تأیید می‌نمایم) ولی در قرائت یادداشت‌های مستدل حاجی سیدعلی محمد دولت آبادی برایم روشن شد که شوستر برخلاف مفاد پیمان استخدامی خود اول روی غفلت و بعداً بناچار وارد دسته بندیها گشته است...

### حسام‌الدین دولت آبادی دنباله اول تیمانوم و آثار آن از متن یادداشت های حاجی سیدعلی محمد دولت آبادی

ولی در بازار گاهگاه نطقی میشد و نظمی (شهربانی) چندان متعرض نبود. این نکته را هم باید نوشت که وضع نظمی (شهربانی) خیلی مغشوش بود و چون اعضاء آنجا تمام مطیع پیرم و هم بعضی از روسای کمیسرها (کلانتری) و اعضاء نظمیه دموکرات بودند با دولت چندان موافقتی نداشتند. بلکه اعمال اغراض حزبی هم مینمودند که از جمله محمد علی اصفهانی روز ششم محرم در تیمچه حاج محمد اسمعیل نسبت بنایب السلطنه بد گوئی کرده بود ولی چون مشارالیه دموکرات و رفیق سالار فاتح معاون نظمیه بود ابتدا

متعرض او نشده بودند و روز هفتم محرم ۱۳۳۰ قمری آقای میرزا محمدعلی برادر نگارنده را گرفته در نظمیه توقیف کردند.

در آنروز اقدامات فوق العاده در این خصوص شد بنده و سایر رفقا تا ساعت سه برای استخلاص مشارالیه کوشش کردیم بالاخره معلوم شد که اعمال غرض نموده اند حتی خود پیرم که باکمال سختی اظهار میداشتند تقصیر او زیاد است بعد از کشف حقیقت تاحدی خجل شد - اما نظر باینکه اساس بر خیالات فاسده ریخته شده بود و الان هم در همان خیالات و عقاید رفتار میکنند هیچگونه جلوگیری و منعی از مفرضین ننموده و اگر بدقت قضاوت کنیم شاید خود او هم مشوق اینگونه غلط کاری ها بود.

سختی از وقایع غریبه که دلیل صحت فساد نظمیه است آنکه در اوایل محرم بلکه از اواسط محرم مجاهدین بخانه‌های مردم رفته باکمال بی باکی از آنها پول میگرفتند و به اشکال مختلفه این عمل را دنبال می نمودند.

آنچه قبل از ذی حجه بود کاغذ بمنوان کمیته اجتماعیون انقلابیون با یک مهر مخصوص و نشانها پیرم محترم نوشته تهدید بقتل میکردند و از آنها پول می گرفتند و این اشخاص بهمت کمیته دفاع ملی گرفتار شده و در نظمیه شش نفر آنها را توقیف کرد، و بفاصله چند روز چهار نفر آنها که عضو حزب دموکرات بودند رها نمودند یک نفر که بیطرف بود در حبس

نگاهداشتند در صورتیکه تقصیر آنها زیاده‌تر  
و بالنسبه تقصیر این يك نفر یا دو نفر  
کمتر بود .

در اواسط ذیحجه شکل کار تغییر  
کرد مثلا جماعتی مسلح بخانه برادر ملک  
التجار رفته از او وجهی میخواهند آنهم  
بدون خوف دوساعت از شب رفته وارد خانه  
شده با کمال قدرت باندرون وارد میشوند  
صاحب خانه ملتفت شده فرار مینماید و به  
بام خانه رفته فریاد میکند . مردم جمع  
میشوند آنها جمعه مخصوص او را برداشته  
می‌روند .

در آن جمعه جز مقداری اشیاء چیزی  
نیوده است دوروز بعد یکنفر مجاهد و یک  
پلیس جمعه را عودت داده هزار تومان از او  
میخواهند . وعده فردا میدهد . آنها بدون  
خوف روز روشن آمده مطالبه میکنند  
کمیسری هم در موافقت با یک عده پلیس بهمان  
جا می‌آیند و آنها را دیده بهیچوجه متعرض  
نمیشود بلکه آن یکنفر پلیس را هم که  
همراه مجاهد آمده بود دستگیر کرده بودند  
پس از مدت کمی که توقیف میشود مرخص  
کرده سر کار می‌آورند . و همچنین دزدی  
های دیگر که ده پانزده بار بخانه مردم رفته و  
پولها را گرفته اند مکرر واقع می‌شود . تا  
اینکه چند نفر از آنها گرفتار و دو سه  
نفرشان کشته میشوند و معلوم میگردد اینها  
یک کمیته چهل نفری با شعبات بوده است .  
و در تمام محلات شعبه این کمیته کار میکرده  
است و در تمام فرق نیز شامل بود . از ارامنه  
هم شرکت داشته‌اند از جمله آنها سه چهار

نفر از مجاهدین قفقازی که در جزء فرقه  
اعتدال بودند گرفتار میشوند .

اداره نظمیہ نظر باینکه وهنی باین  
فرقه وارد بیاورد سر دسته مجاهدین را که این  
سه نفر عضو او بوده اند گرفته با کمال  
افتضاح جلب بنظمیه میکنند و مدتهاست که  
در توقیف است در صورتیکه استنطاق او هم  
او را مقرر نمیکند اما يك نفر از سر دسته  
دموکراتها بواسطه مباشرت او در دزدی که  
برگه او را بدست آوردند و خودش هم  
نتوانست منکر برگه شود و تصدیق صاحب  
مال که بمحض دیدن گفته بود که همین  
شخص روی کرسی خانه من نشسته و کار  
کشید که سرما ببرد و با کمال شدت دو  
انگشت خود را در بینی من کرد و سرم را بالا  
کشید و کار در باکلوی من می‌خواست بگذارد  
با وجود این يك روز زیاده‌تر او را نگاه نداشته  
و مرخص نمودند . و پس از اینکه هیئت  
وزراء از رئیس نظمیه مؤاخذه کردند مجبوراً  
دژبانی او را دستگیر و توقیف کرد .

این مطلب طوری موضوع را روشن  
کرد که همه کس گفت نظمیه از دموکراتها  
همراهی دارد و در مواد فساد و ترور تقویت  
مینماید والا چگونه میشود که چنین دزدی  
را خلاص کنند و بی گناهی را حبس نمایند .  
بقیه دارد



